



تأملی بر ضرورت جایگاه مهندسی فرهنگی در توسعه پایدار جامعه روستایی

محمد حسن شربتیان *

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۸/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۱۰/۲۶

چکیده:

امروزه مهندسی فرهنگی در روستاها به‌عنوان بخشی از فرایند توسعه روستایی از اهمیت فراوانی برخوردار است. مهندسی فرهنگی در جهت تقویت اجزای اصلی هویت فرهنگی جامعه روستایی در پرتو چالش مناسب و تعیین جایگاه صحیح، باید لایه‌های دینی، ملی، جهانی و سطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و ارزشی، قدرتمندی فرهنگی، تقویت اقتصادی و مدیریت علمی روستا را ارتقاء دهد. این پدیده باید بتواند تدابیری در جهت تغییرات و کارکردهای نهاد فرهنگی روستاها، تغییر باورهای مخالف فرایند توسعه پایدار روستا، توجه به خرده فرهنگ‌های عمومی و حذف خرده فرهنگ‌های مزاحم، تدابیری جهت حذف مصرف‌گرایی و... را مد نظر قرار دهد و همچنین در چارچوب راهبردها و راهکارهای مهندسی اجتماعی و برنامه‌ریزی فرهنگی باید تشکلهای اجتماعی محلی، مشارکت، انسجام، اعتماد، روحیه تعاون‌گرایی و همکاری داوطلبانه را در تمام امور اجرایی و زندگی جامعه روستایی فراهم کرد؛ و از طریق تغییرات اجتماعی و فرهنگی به تأمین اجتماعی، تحرک اجتماعی، حذف موانع سنتی توسعه، نظارت بر آسیب‌های توسعه پایدار و بازتولید هویت فرهنگی روستا از طریق راهبردها و راهکارهای فرهنگی و اجتماعی استمرار بخشید. در این مقاله با توجه به جایگاه نقشه مهندسی فرهنگی در تمام سطوح پایدار توسعه جامعه با تأکید بر روش تبیینی و مطالعات کتابخانه‌ای پیشنهادهایی برای ضرورت‌مندی مهندسی فرهنگی در توسعه پایدار روستایی در دهه اخیر بیان کرده‌ایم.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، تغییرات فرهنگی/اجتماعی، جامعه روستایی، سرمایه اجتماعی، مهندسی فرهنگی.

مقدمه

فرایند مهندسی فرهنگی در عرصه‌های ساختاری جامعه روستایی به‌عنوان نوعی برنامه‌ریزی (اجتماعی، فرهنگی، محلی و منطقه‌ای) نقش مؤثری در پیشبرد و پیشرفت توسعه پایدار جامعه روستایی خواهد داشت. می‌توان گفت: «مهندسی فرهنگی، مهندسی نظام اختیارات و سهم و تأثیر عوامل مختلف فردی و اجتماعی در فرهنگ جامعه است و این امر مستلزم آن است که مهندسی فرهنگی بتواند نظام تمایلات، نظام اندیشه و تفکرات و نظام رفتاری را در سطح فردی و نظام سیاسی، نظام اقتصادی و نظام فرهنگی را در سطح اجتماعی در یک سیر تکاملی منسجم و هماهنگ، به‌منظور رساندن به وضعیت مطلوب سازمان‌دهی کند.» (فوزی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶-۲۱۵)

براین اساس بسترسازی مناسب برای بروز نوآوری‌ها، خلاقیت‌ها، تولیدات فرهنگی و پذیرش طرح‌های برنامه‌ریزی شده مطابق با فرهنگ جاری در روستا در بین افراد و سازمان‌های رسمی و غیررسمی جامعه مورد نظر می‌تواند، به اجرای این فرایند به‌عنوان یک عامل ضرورت‌مند در جامعه روستایی کمک شایانی به توسعه پایدار آن جامعه بنماید. بنابراین امروزه ضرورت انجام مهندسی فرهنگی در کشور، به بحث روز جامعه تبدیل شده است، بسط چارچوب‌های نظری، مقالات تولید شده، علائق علمی و پژوهش‌های مختلف در این امر ضرورت‌مند، در حوزه‌های دینی، فرهنگی، اخلاقی، رفتاری، آموزشی، اقتصادی، کشاورزی و... در جامعه روستایی می‌تواند، به‌عنوان یک ظرفیت توانمند و پویا نقش مستمری در توسعه پایدار و همه‌جانبه آن جامعه داشته باشد. «لذا روستاها به دلیل اینکه محل برخورد فرهنگ در تقابل با توسعه و نوآوری‌های نوین درون‌زا و برون‌زاست، و در برخی مواقع این توسعه با برخورد منفی بافت فرهنگی جامعه روبرو می‌شود و حتی در مواردی باید از نوع توسعه گذشت و عطای اجرای آن را به لقایش بخشید یا حتی زمانی که پروژه‌ها و طرح‌های ضرورت‌بخش در سطح جامعه روستایی در جریان است، اجرای این فرایند با موانعی روبرو می‌شود، در عین حال جامعه مورد نظر بر نمی‌تابد و همکاری لازم را نمی‌کند، پس در اینجا وجود نوعی برنامه‌ریزی یا مهندسی فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد که با آگاهی دادن فرهنگی و صحیح می‌توان جامعه

را پذیرای طرح‌های توسعه‌یافته، پایدار و آماده نماید.» (عظیمی، ۱۳۸۸). بنابراین، با اجرای فرایند آگاهی‌رسانی، نهادینه‌سازی و آموزش‌ها و سواد رسانه‌ای می‌توان نقش پایداری این فرایند را در ساختار توسعه روستایی به صورت مداوم و پویا مورد مشاهده و مطالعه قرار داد.

طرح مسأله

اجرای فرایند مهندسی فرهنگی در عرصه‌های توسعه پایدار جامعه روستایی با نوعی نظم اجتماعی، انسجام فرهنگی در راستای اهداف تحقق‌یافته امری لازم است؛ بنابراین توجه به تمام لایه‌های زندگی روستایی از جمله لایه‌های، فرهنگی، اخلاقی، رفتاری، دینی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و روانشناختی در ابعاد محلی، ملی و جهانی، در حوزه مطالعات مهندسی فرهنگی مورد نظر می‌باشد؛ همچنین تمایل به سطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ارزشی و... توجه به روابط الزام‌آور و انگیزشی بین عرصه‌های مختلف جامعه روستایی، به این معنا که قدرتمندی فرهنگی، تقویت اقتصادی و توانایی مدیریتی را این پدیده به‌وجود می‌آورد، بیانگر ضرورت‌مند بودن و الزامی بودن اجرای این فرایند در سطح جامعه روستایی است. مطالعات و پژوهش‌های ضرورت‌مند این فرایند در کنار سایر پارامترهای پایدار می‌تواند در تحقق کامل توسعه روستایی نقش بارزی داشته باشد.

بنابراین «لزوم تحقق این فرایند در جامعه مستلزم پذیرش آن از سوی مردم و عمل بر طبق آن می‌باشد. همچنین تفکیک بین نهاد طراحی مهندسی فرهنگی و اجرای آن، مشارکت فعال در مسائل (جهانی، ملی و محلی)، افزایش توانایی‌ها و پتانسیل‌های فرهنگی در سطوح مختلف، تأثیر بسزایی در جلوگیری از آشفتنی فرهنگی و افزایش ظرفیت فرهنگی کشور را می‌توان از مهمترین کارکردهای مؤثر این فرایند دانست؛ و همچنین اجرای این فرایند منجر به حفظ استقلال و توانمندسازی در عرصه جهانی می‌گردد.» (شمسینی غیاثوند، ۱۳۸۵: ۴۱) بر این اساس در این مقاله به دنبال نقش مؤثر و ضرورت‌مند مهندسی فرهنگی در توسعه پایدار روستایی هستیم، که در حال حاضر چه عواملی به فرایند پایدار این پدیده می‌تواند کمک کند؟ و اجرای این فرایند در سطح جامعه روستایی چه کارکردهایی دارد؟ و برای بسط

براساس چنین ضرورتی در جامعه ایران «بعد از اصلاحات ارضی سازمان‌هایی چون سپاه دانش، خانه فرهنگ، سپاه ترویج و... به وجود آمدند که همگی دارای نقش‌های مؤثر فرهنگی در روستاها بودند و نشان از تلاش دولت و حاکمیت وقت برای تأثیرگذاری‌های سیاسی و فرهنگ وارداتی در روستاها نیز بوده است. بعد از انقلاب اسلامی ایران، نیز جهاد سازندگی، بسیج مستضعفین، بنیاد مسکن، خانه همیار روستایی، شوراهای روستا، شبکه بهداشت، بسیج سازندگی و... همگی برای گسترش طرح‌های فرهنگی در روستاها و گسترش ایده‌های انقلابی و بازگشت به هویت بومی و ملی تلاش بسیار و افروزی تا به امروز کرده‌اند که ادامه دارد» (ازکیا، ۱۳۷۴: ۲۷۷). بنابراین ضرورت اجرای فرایند مهندسی فرهنگی در توسعه جامعه روستایی، با تأکید بر سطوح (محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی) باید برنامه‌ریزی شود؛ همچنین در اجرای این برنامه‌ریزی، باید شرایط (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ارزشی و دینی) حاکم بر فضای روستا لحاظ گردد و برای اجرای هرگونه طرح توسعه‌مندی روستا، ابتدا اولویت‌های فرهنگی، بسترسازی، آموزش و اطلاع‌رسانی برای تمام سطوح، مورد اهتمام ویژه قرار گیرد، سپس اجرای طرح‌های بهسازی و توسعه‌مند انجام شود. براساس اجرای این ضرورت، مدیریت دانش محوری در توسعه روستایی باید مورد اهتمام قرار گیرد؛ بنابراین وجود اجرای پایدار و دقیق چنین فرایندی در سطح روستا بیانگر ضرورت‌مندی پایدار نقش مهندسی فرهنگی یا برنامه‌ریزی فرهنگی را در ساختار توسعه جامعه روستایی بیان می‌کند.

مهندسی فرهنگی و توسعه فرهنگی جامعه روستایی

تفاوت و تمایز جوامع از نظر فرهنگی موجب این شده، که تعمیم الگوی توسعه فرهنگی بسادگی امکان‌پذیر نباشد و یا به صورت تعمیم‌یافتگی این الگو، نتوان به اهداف مطلوب توسعه پایدار رسید. بنابراین «منظور از توسعه فرهنگی دگرگونی است که از طریق تراکم برگشت‌ناپذیر عناصر فرهنگی (تمدن) در یک جامعه معین صورت می‌گیرد و بر اثر آن، جامعه کنترل مؤثری را بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند. در این تراکم برگشت‌ناپذیر، معارف، فنون دانش و تکنیک به عناصری که از

پایدار این فرایند در سطح جامعه روستایی در حال حاضر چه راهکارها و پیشنهادهایی را می‌توان ارائه داد.

اهمیت موضوع

با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، مهندسی فرهنگی عبارت‌تست از «طراحی، نوسازی و بازسازی سیستم فرهنگ جامعه؛ به عبارت دیگر مهندسی فرهنگی عبارت است از: برنامه‌ریزی کلان در سطح نظام‌ها، سازمان‌ها، سیاست‌ها، قوانین و سازوکارهای جامعه مطابق با اهداف فرهنگی حاکم بر جامعه». (بنیانیان، ۱۳۸۵: ۱۴) مهندسی فرهنگی در سطح جامعه روستایی ما باید مطابق با الگوهای (فرهنگی، اجتماعی، ارزشی، اخلاقی، دینی، اقتصادی و... روستا) از طریق فرایند آموزش (رسمی و غیررسمی)، آگاه‌سازی، اقناع، ترغیب، تشویق، تقویت و مشارکت پایدار همه‌جانبه در تمام عرصه‌ها به صورت برنامه‌ریزی شده از سوی دستگاه‌ها و سازمان‌های مربوطه به صورت مستمر انجام شود؛ این استمرار می‌تواند نقش مؤثری در ضرورت توسعه پایدار روستا را به همراه آورد. از طریق ایجاد تشکل دولتی و غیردولتی و نهادهای فرهنگی حاکم بر روستا می‌توان به تأثیرگذاری سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... پرداخت، و حتی ارائه نوآوری‌های فنی، سازمانی، پذیرش ایده‌ها و طرح‌های توسعه‌مند روستایی را گسترش داد.

در اکثر کشورهای جهان بعد از شکل‌گیری انقلاب‌های سیاسی و فرهنگی، از جمله ایران توسعه پایدار روستایی از اهم مسائلی بوده است که همیشه مورد دغدغه دولتمردان، صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران جامعه تا به امروز قرار داشته است، بنابراین متولیان اجرای فرایند مهندسی فرهنگی از طریق تغییر ساختار عناصر لازم و خاص فرهنگ روستایی باید مقولاتی را که به توسعه پایدار جامعه روستایی کمک می‌کند، مورد توجه قرار دهند، این عناصر باید «۱. با سادگی حاکم بر فضای روستایی همراه باشد. ۲. هماهنگی با ارزش‌های موجود روستا را داشته باشد. ۳. منزلت صاحبان خلاقیت در روستا را به همراه آورد. ۴. وضعیت تغییر یافته فرهنگ روستا را نظارت کند. ۵. یکپارچگی و انسجام لازم در روستا را به‌وجود آورد. ۶. وسعت و تداوم برخورد آن عنصر را در روستا فراهم نماید.» (مور، ۱۳۸۱: ۱۲۵)

راهبردهای فرهنگی و اجتماعی باشد. در واقع برنامه‌ریزی فرهنگی دولتی و غیردولتی باید همکاری شوراها و مشارکت پویای مردم روستا، سنخیت داشته باشد و در جهت اهداف و مصالح عمومی توسعه فرهنگی پایدار روستا در هر زمان و مکانی قابل اجرا باشد. مثلاً برپایی اعیاد اسلامی و مذهبی، جشن‌های ایرانی، حفظ و سلامت ارزش‌های بومی، پاسداشت آداب و رسوم محلی، نگهداشت الگوهای فرهنگی انقلاب و... در واقع از آن دسته برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی هستند که در راستای تقویت توسعه فرهنگی پایدار روستا کمک مؤثری به شرایط حال حاضر جامعه روستایی می‌کند؛ چنین برنامه‌ریزی‌هایی باید به صورت عمیق، مستمر و نهادینه ادامه یابد. همچنین در حال حاضر جامعه توسعه فرهنگی روستا از طریق استفاده و بکارگیری وسایل ارتباط جمعی، مانند مطبوعات، تلویزیون، رادیو، اینترنت و یا امکانات جدید چون بیمه روستایی، خدمات ICT و... می‌تواند از جمله مواردی باشد که نشانگر پیوند مهندسی فرهنگی و توسعه فرهنگی پایدار روستا باشد.

دوم) تغییر باورهای مخالف فرایند توسعه پایدار روستا: در برخی مواقع در جامعه روستایی برای اجرای طرح‌های توسعه پایدار و همه‌جانبه، سازمان‌ها و مجریان برنامه‌های توسعه‌مند با مقاومت و مخالفت مردم روبرو می‌شوند، بنابراین ضرورت دارد که با شناخت عمیقی که نسبت به آداب و رسوم و یا فرهنگ آن منطقه داشته باشیم، تمام ارگان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی در زمینه اجرای برنامه‌ریزی‌های توسعه‌مند بسیج شوند و به صورت سازمان‌یافته موانع توسعه پایدار روستا را در منطقه با آگاهی محوری، اطلاع‌رسانی، مشارکت فرهنگی و اجتماعی روستاییان، تقویت مدیریت دانش‌افزایی افراد بومی و محلی منطقه، استفاده از صاحب‌نفوذان محلی و... تغییر دهند. در واقع چنین تغییراتی می‌تواند به پیوند مهندسی فرهنگی و توسعه پایدار فرهنگی روستا از طریق اجرای برنامه‌های متنوع و متفاوت کمک لازم را بنماید.

سوم) اهمیت به خرده فرهنگ‌های عمومی و حذف خرده فرهنگ‌های مزاحم در روستا. سازمان‌ها و متولیان امر توسعه پایدار روستایی باید بتوانند در تقویت یک خرده فرهنگ عمومی یا حذف خرده فرهنگ‌های مزاحم در توسعه پایدار روستا نقش

بیش وجود داشته و از آن مشتق شده، افزوده می‌شود.» (ازکیا و همکار، ۱۳۸۴: ۴۸). براین اساس نیازمند نوعی مهندسی یا برنامه‌ریزی فرهنگی در سطح جامعه روستایی می‌باشیم، که از طریق گسترش تعامل اجتماعی و فرهنگی بین افراد جامعه با نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی فعال در روستا، بتوانیم آمادگی و مشارکت پایدار روستاییان را برای پذیرش نوآوری‌ها، بروز طرح‌های خلاقانه در روستا آماده کنیم، این پذیرش می‌تواند منجر به دگرگونی و تحولات فرهنگی مورد نظر از سوی مجریان امر برنامه‌ریزی قرار گیرد، که باعث توسعه پایدار فرهنگی در سطح روستا می‌شود. همچنین اجرای فرایند مهندسی فرهنگی در روستا باید متناسب با ساختار فرهنگی حاکم بر جامعه روستایی در راستای طرح‌های بهسازی روستا باشد؛ بنابراین برنامه‌ریزی فرهنگی در روستا باید با توجه به شاخص‌های کیفی و کمی، آموزشی، بهداشتی - اجتماعی، اخلاقی، رفتاری جامعه روستایی مورد مطالعه، سازگاری داشته باشد، این نوع برنامه‌ریزی باید در راستای اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی مردم روستا از دستاوردهای پایدار بهسازی طرح‌های اجراشده دیگر نقاط داخلی و خارجی همراه باشد، اجرای چنین فرایند برنامه‌ریزی باید، دستاوردهای مثبت و پیامدهای منفی را به جامعه مورد مطالعه آموزش دهد، بنابراین اجرای چنین برنامه‌ریزی پیوند تنگاتنگی با توسعه فرهنگی پایدار روستا برای هرگونه تغییرات و تحولات را دارد؛ پس «از طریق توسعه فرهنگی جامعه روستایی، توسعه اقتصادی، به ثمر می‌رسد، در حالی که توسعه اقتصادی منجر به توسعه فرهنگی روستا نشده، بلکه تسلط فرهنگی را به وجود می‌آورد.» (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۰).

مهندسی فرهنگی از طریق چهار دامنه باید بتواند تغییرات ساده‌ای در سطح جامعه روستایی ایجاد کند.

اول) تدابیری در جهت تغییرات و کارکردهای نهاد فرهنگی روستاها در تعامل با توسعه پایدار روستا: همانطور که نهادهای ابتدای انقلاب در حوزه تغییرات ساختاری و فرهنگی روستا خدمات بسیاری را تا به امروز انجام داده‌اند، بنابراین در حال حاضر باید کارکردهای سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی حاضر در روستاها در راستای پایداری و نهادینه کردن الگوهای فرهنگ بومی، منطقه‌ای و ملی از طریق برنامه‌ریزی‌ها و

مردم روستا با تأکید بر هویت بومی، منطقه‌ای و ملی باشد. این اصول، باید در راستای تقویت همکاری، همیاری، تعاون داوطلبانه، رعایت قواعد مبادله، ایجاد شبکه‌های تعهد مدنی، اعتماد اجتماعی و بین فردی شکل گیرد. اجرای طرح‌های فرهنگی در جامعه روستایی باید با تکیه بر تقویت هویت جمعی و افزایش منزلت‌های اجتماعی روستاییان همراه باشد؛ تا از طریق این طرح‌ها بتوان در بین گروه‌های اجتماعی روستا نوعی وحدت فکری، رفتاری و جمعی نسبت به طرح‌های توسعه‌مند، مشارکت‌های بلندمدت، احترام و ارج‌گذاری به یکدیگر، تقویت مسئولیت‌پذیری و... را بالا برد. بر این اساس پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان همبستگی اجتماع محلی حاصل شده از چهار ویژگی دانسته است. «الف) وجود مجموعه متراکم از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماع محلی، ب) سطوح بالای تعهد مدنی یا مشارکت در شبکه‌های اجتماعی محلی، ج) هویت محلی قومی و مثبت و نیز احساس تجانس و برابری با اعضای اجتماعی محلی، د) هنجارهای تعمیم یافته مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماعی محلی و اینکه آیا یکدیگر را به لحاظ شخص می‌شناسد یا خیر.» (از کیا و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۷۹-۲۷۸).

در واقع چارچوب راهبردهای و راهکارهای فرهنگی باید در راستای حفظ سرمایه اجتماعی جامعه روستایی چون ایجاد تشکل‌های اجتماع محلی، ترغیب و تشویق افراد جامعه روستایی در این تشکل‌ها برای هرگونه مشارکت، انسجام و اعتماد نسبت به امور جمعی روستا، سازمان‌ها و ساختار حاکمیت باشد. این اصول و راهبردها باید از طریق تقویت روحیه همیاری‌گرایی و همکاری داوطلبانه در تمام امور اجرایی و زندگی جامعه روستایی نهادینه گردد. از طریق حفظ و بکارگیری پارامترهای سرمایه اجتماعی چون (تأثیر مثبت بر ایجاد شبکه‌هایی از اعتماد، اداره بهتر امور، عدالت اجتماعی، تشویق به اشتراک مساعی در فائق آمدن بر مشکلات، ارتقاء مشارکت اجتماع محلی و توسعه خودتکایی، شکل‌گیری روابط مبتنی بر اعتماد متقابل و روابط عاطفی مثبت اعضای جامعه نسبت به هم و...) می‌تواند ارتباط تنگاتنگی بین ضرورت مهندسی فرهنگی و توسعه پایدار سرمایه اجتماعی جامعه روستایی را بیان کند.

بسزایی داشته باشند. در حال حاضر از طریق آموزش‌های مستمر و مداوم رسمی و غیررسمی در سطح روستا و منطقه باید نگرش‌های غلط، بی‌تفاوت بودن نسبت به مسائل روستا، حذف مسائل خرافاتی، رفتارهای غلط و تنبل‌پروری، مهاجرت بی‌رویه، تعارض بین نسلی، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، گرایش به افزایش طلاق و اعتیاد و... را از بین ببرند، همچنین در راستای اشاعه فرهنگ کار، احترام به خانواده و همسر، ارتقاء تحصیلات، رشد دانش‌افزایی تخصصی، ازدواج‌های پایدار و... در سطح گروه‌های اجتماعی روستا از جمله نسل جوان، از طریق انجام طرح‌های فرهنگی دست به فعالیت‌های مستمر و پایدار بزنند، که موارد نمونه‌ای از برنامه‌ریزی فرهنگی در تقویت پایدار توسعه فرهنگی روستاها است.

چهارم) تدابیری برای حذف خرده‌فرهنگ مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی: در واقع با رشد توسعه اقتصادی در جامعه روستایی، که منجر به رشد مصرف‌زدگی شدید روستاییان شده و این مسئله هم ناشی از ارتباط و وابستگی شدید به جامعه شهری، رسانه‌ها و... می‌باشد، باعث این شده که یک فرهنگ غلط یا عادت نادرست را در ساختار فکری، ذهنی و رفتاری روستاییان به نام مصرف‌گرایی ایجاد کند و به عنوان یکی از آسیب‌های فرهنگی حال حاضر جامعه روستایی باعث ایجاد موانع و اختلال‌هایی در حوزه توسعه فرهنگی پایدار روستا شده است. بنابراین اجرای طرح‌های مهندسی فرهنگی باید به تغییر این خرده‌فرهنگ سوق یابد و بتواند نوعی فرهنگ جدید متناسب با ساختار جامعه روستایی همچون فرهنگ تولید، قناعت، و... را با تدوین اصول، راهبردها و کاربردهای غنی شده فرهنگی در مقابل مصرف‌زدگی رواج دهد.

در واقع ارائه چنین برنامه‌ها و طرح‌های فرهنگی با تأکید بر راهبردهای اسلامی و ایرانی، می‌تواند در حال حاضر نقش بسزایی در پیوند مهندسی فرهنگی و توسعه پایدار فرهنگی روستا داشته باشد.

مهندسی فرهنگی و سرمایه اجتماعی جامعه روستایی

درواقع اصول مهندسی فرهنگی باید در ساختار جامعه روستایی مبتنی بر حفظ انسجام اجتماعی و همبستگی فرهنگی

در واقع در عصر حاضر که حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن ساختار جامعه روستایی ما را تحت تأثیر قرار داده و منجر به این شده که روستاییان از هویت فرهنگی و بومی خود فاصله گیرند؛ و به سمت رشد فرهنگ شهرنشینی سوق یابند، در واقع تدوین اصول استراتژی و راهبردهای فرهنگی در ساختار جامعه روستایی به دلیل اینکه رشد فردگرایی و آینده‌نگری فردی، شدت وابستگی متقابل، گستردگی و تنوع، تزاید نقش‌ها، تمایز اجتماعی، پیچیدگی نهادها، گسترش نظام انتخاب، افزایش ابهام، ناشناختگی، تقویت گمنامی و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی و رشد آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و... را در جامعه روستایی حال حاضر افزایش داده و این امر بر بی‌اعتمادی و عدم اعتماد اجتماعی ساختار فرهنگی و فکری مردم روستاهای ما اثر شدید گذاشته است و باعث شده که حیات اجتماعی روستاهای ما به یک واقعیت جدلی تبدیل شود؛ باید از طریق اتخاذ تدابیر و اجرای طرح‌های فرهنگی بتوان از رشد این پیامدها جلوگیری کرد.

از هم گسیختگی اجتماعی و اضمحلال ساختار اصیل فرهنگی در روستا ناشی از مهاجرت بی‌رویه به شهرها، تعامل با شیوه زندگی شهری، رشد مصرف‌گرایی و فردگرایی و... را به وجود آورده است، بیانگر این می‌باشد که در جهت پیشگیری و ریشه‌کن کردن این معضلات، ضرورت اجرای برنامه‌های مهندسی فرهنگی در توسعه پایدار روستایی بسیار با اهمیت است. بنابراین ارتقاء سطوح اعتماد اجتماعی در بین جامعه روستایی می‌تواند کمک بسیاری به کاهش این آسیب‌ها نماید، بنابراین از طریق برنامه‌ریزی فرهنگی در سطح روستاها می‌توان به ضرورت مهندسی فرهنگی که باعث تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد بین جامعه روستایی خواهد شد، پی برد. بنابراین از دیدگاه زتومکا «اعتماد اجتماعی در حوزه علوم اجتماعی باید دارای نوعی جهت‌گیری فرهنگ‌گرایانه باشد که خود نوعی چرخش از سمت مفاهیم سخت به سمت مفاهیم نرم را در بر دارد. بنابراین چنین چرخشی زمینه توجه عمیق‌تر به مفهوم اعتماد را به دنبال داشته است و در طی دو دهه گذشته شاهد موج جدیدی از مباحث مربوط به اعتماد در مفاهیم علوم اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسی هستیم.» (زتومکا، ۱۳۸۷: ۱۲).

از بعد دیگر در جهت تقویت شاخص‌های سرمایه اجتماعی با راهبردهای مدیریت فرهنگی توسعه پایدار روستایی، باید اشاره به انسجام اجتماعی کنیم که بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دلالت می‌کند. به عبارت دیگر «انسجام در کل، ناظر بر میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های تمایز یافته است.» (افروغ، ۱۳۷۸: ۱۴۰). در واقع مهندسی فرهنگی و ضرورت راهبردی و برنامه‌ریزی فرهنگی در جامعه روستایی ما باید از سطوح پایین شروع شود و به نظر گیدنز نمی‌توان این مسئله را نوعی اقدام از بالا به پایین (دولت و حاکمیت) یا با توسل به سنت تضمین کرد. «ما ناچاریم زندگی خود را به شیوه فعال‌تر از آنچه در نسل‌های پیشین درست بود بسازیم و پایه برای پیامدهای آنچه انجام می‌دهیم و عادت‌های شیوه زندگی که برگزیده‌ایم فعالانه‌تر مسئولیت بپذیریم.» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۴۳) باید در راستای این امر سازمان‌ها و انجمن‌های غیر دولتی از طریق آموزش و مشارکت پایدار روستاییان، آنها را به سمت مسئولیت‌پذیری و ایجاد طرح‌های خلاقانه و نوآورانه سوق دهند.

از بعد دیگر مشارکت همه‌جانبه بخشی از سرمایه اجتماعی جامعه روستایی است، که نیازمند طراحی و برنامه‌ریزی فرهنگی است. در واقع «مشارکت را نوعی کنش هدفمند نیز دانسته‌اند که فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او، در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین و تعریف شده نمود پیدا می‌کند. در نگاهی دیگر مشارکت را فرایند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع کمیاب و فراهم‌سازی فرصت برای رده‌های پایین جمعی جهت بهبود شرایط زندگی آنها عنوان کرده‌اند، همچنین مشارکت را به عنوان نوعی کنش ارتباطی نیز در نظر می‌گیرند که مبتنی بر فهم متقابل است.» (طوسی، ۱۳۷۰: ۸). بر این اساس مشارکت در جامعه روستایی ما، به درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری اجتماعی روستاییان، می‌توان تعریف کرد. همچنین «از تعریف مشارکت می‌توان مفاهیمی چون درگیری، تلاش، تأثیرپذیری، عکس‌العمل، تقسیم اطلاعات، موقعیت‌یابی حل مشکل، شرکت در تصمیم‌گیری و نظایر آن را استنباط نمود.» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۲۰۲). اجرای طرح‌های فرهنگی در سطح روستا باید به سمت این مسئله سوق یابد که روستاییان این نگرش و احساس در

جامعه روستایی به حساب آورد؛ در واقع «تغییر فرهنگی را به معنای دگرگونی‌های جامعه در پدیده‌های فرهنگی مانند: معرفت و دانش، آراء و عقاید، هنرها، آیین‌های دینی و اخلاقی و غیره که بار معنایی و خصلت نمادی دارند، دانسته‌اند. با این وجود تغییرات اجتماعی و فرهنگی در غالب موارد، ارتباط نزدیکی با هم دارند.» (غفاری و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۷). باید مردم روستا را برای اینکه این رهیافت دارای نتایج بلندمدت و عمیقی باشد، آگاه و توانمند ساخت و بی‌دوام بودن و عدم استمرار رهیافت استبدادی را که زودگذر و بی‌حاصل است، برای جامعه روستایی بیان کرد. بنابراین وجود آموزش‌های مستمر و پایدار، تقویت شبکه‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری از طریق اجرای طرح‌های فرهنگی در سطح روستا کمک مؤثری به این امر می‌کند.

در برخی موارد باید تغییر مهمی در فرهنگ یک جامعه پدید آید، مثلاً برای پذیرش یک نوآوری جدید. ورود دکتر به یک روستا و حذف معالجه‌های سنتی نیاز به پذیرش آن به‌وسیله مردم دارد. در این مرحله ما در ابتدا باید تغییر فرهنگی برای پذیرش پزشک ایجاد کنیم، یا گاهی اوقات برخی خرافات در بین مردم وجود دارد که مشکل‌ساز است. در این جا مهندسی فرهنگ ضرورتش در تغییرات اجتماعی و فرهنگی روستا مشخص می‌گردد.

استفاده بهینه از نوآوری‌ها مسئله دیگری است که باید در بحث ضرورت مهندسی فرهنگی و تغییرات اجتماعی و فرهنگی مورد اهتمام قرار گیرد. همواره مشکل بر سر پذیرش یک نوآوری نیست؛ بلکه نحوه پذیرش نوآوری هم مطرح است. در حقیقت زمانی می‌توان از یک ایده یا تکنولوژی خوبی که مطرح شده به نحو صحیحی استفاده کرد که فرهنگ استفاده از آن را نیز فراگرفته باشیم. مثلاً در تشکیل تعاونی‌های تولید و مصرف در روستاها لازم است فرهنگ مشارکت جمعی و همکاری به نحو صحیحی آموزش داده شود. خیلی از تعاونی‌های روستایی امروزه به همین دلیل دچار مشکل هستند. در واقع ابتدا باید، فرهنگ استفاده از یک وسیله، یا فرهنگ ترویج یک رفتار و عمل فرهنگی را در بین جامعه روستایی ارتقاء داد، سپس به سمت توزیع و توسعه آن وسیله یا رفتار حرکت کرد.

مهندسی فرهنگی و تحرکات اجتماعی در حوزه تغییرات می‌تواند امری ضروری به نظر رسد. انتقال یک شخص یا یک

آنها ایجاد شود که، منافع و سهم عمده‌ای در اجرای طرح‌های توسعه روستایی نصیب آنان و اعضای خانواده‌شان خواهد شد و اجرای این برنامه‌های توسعه‌مند، منجر به این خواهد شد که وضعیت زندگی آنان بهبود می‌یابد. آموزش چنین اصولی از طریق راهکارهای فرهنگی پایدار و نهادینه شده می‌تواند مشارکت پایدار روستاییان را در اجرای طرح‌های توسعه‌مند افزایش دهد و به‌نوعی پیوند تنگاتنگی بین اصول مهندسی فرهنگی و مشارکت پایدار همه‌جانبه روستا ایجاد کند.

در واقع ضرورت مهندسی فرهنگی در توسعه پایدار سرمایه اجتماعی روستاییان باید از تقویت پایه‌های مشارکت، انسجام، اعتماد روستاییان به‌عنوان فراگرد نیرومندسازی برای تثبیت ارزش‌های سهیم کردن مردم و قدرت و اختیار جامعه خود، راه دادن مردم برای نظارت بر سرنوشت خویش و باز کردن و گشودن فرصت‌های پیشرفت به روی رده‌های پایین جامعه روستایی دانست، همچنین باید از طریق توسعه‌مندی پایدار مشارکت، اعتماد و انسجام تسهیل در شنیدن صدای دیگران، احساس مالکیت کردن، از میان بردن حاشیه‌نشینی گروه‌های اجتماعی، نیرومند ساختن ناتوانان، در هم شکستن فرهنگ سکوت را در جامعه روستایی مد نظر داشت.

مهندسی فرهنگی و تغییرات اجتماعی و فرهنگی

در واقع باید برای اینکه بتوانیم در روستا به یک نوآوری یا توسعه سازمانی و تغییر مثبت دست یابیم، باید رهیافت‌های اجتماعی و فرهنگی سازمان یافته را در ساختار روستایی ایجاد کنیم. با توجه به اینکه در ساختار جامعه ایران قدرت و رهیافت استبدادی ریشه و قدمت بسیاری دارد و تا به امروز این رهیافت آسیب‌ها و خدمات بسیاری را به جامعه زده؛ باید تدابیری اتخاذ گردد که چنین رهیافتی تبدیل به رهیافت مشارکتی شود؛ این فرایند را نوعی تغییر اجتماعی باید تلقی کرد، بنابراین تغییر اجتماعی «تغییری قابل رؤت در طول زمان به صورتی که موقتی و یا کم‌دوام نباشد، بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید.» (گی روشه، ۱۳۷۶: ۲۹). به عبارت دیگر در راستای این ضرورت باید مهندسی فرهنگی را نوعی تغییر فرهنگی هم در

بنابراین برنامه‌ریزی برای کاهش آثار مخرب این مهاجرت‌ها از طریق اجرای طرح‌های فرهنگی پایدار در روستا امری ضروری است.

در حوزه ضرورت اصول اجرایی مهندسی فرهنگی در جامعه روستایی باید به خرده فرهنگ دهقانی هم اشاره کنیم، که این مسئله مانع توسعه پایدار جامعه روستایی ما شده است. باید برنامه‌ریزی فرهنگی عمیق و سازمان یافته‌ای برای دستیابی به تغییر پایدار مبتنی بر شناخت ارزش‌ها، وجه نظرها و انگیزه‌های دهقانان صورت گیرد؛ و حتی نگرش‌های غلط و عقب مانده آنها را تغییر دهیم. وجود یکسری از پارامترها و شاخص‌های خرده فرهنگ دهقانی غلط در ساختار فرهنگ روستاهای ایران باعث عدم پیشرفت پایدار روستاها شده که در این جا به برخی از این موانع اشاره می‌کنیم. «۱. عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، ۲. فقدان نوآوری، ۳. تقدیرگرایی، ۴. پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، ۵. عدم توانایی چشم‌پوشی از منابع آبی به خاطر منافع آبی، ۶. کم اهمیت دادن به عامل زمان، ۷. خانواده‌گرایی، ۸. وابستگی به قدرت دولت، ۹. محلی‌گرایی، ۱۰. فقدان همدلی، ۱۱. تصور خیر محدود، ۱۲. انگیزه پیشرفت، ۱۳. توقع در مورد سطح زندگی و...» (از کیا، ۱۳۸۴: ۱۲۱-۱۲۰). بنابراین از طریق تهیه راهبردها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی به سمت تغییرات بنیادی رفته و عناصر خرده فرهنگ غلط دهقانی را که مانعی برای پیشرفت پایدار همه‌جانبه روستاست باید مصرانه حل کنیم.

مراحل اجرایی ضرورت مهندسی فرهنگی در توسعه جامعه روستایی

با توجه به ارتباطی که در سطوح قبلی بین عوامل مؤثر در حوزه توسعه پایدار جامعه روستایی و ضرورت اجرای مهندسی فرهنگی بیان کرده‌ایم. یکسری از مراحل اجرایی را برای طرح‌های فرهنگی جامعه روستایی به شرح ذیل بیان می‌کنیم.

۱. مشخص کردن، اولویت‌بندی و تعیین اهداف طرح‌ها یا برنامه‌های فرهنگی در دست اجرا یا قابل برنامه‌ریزی در آینده، در راستای پیشرفت و توسعه پایدار جامعه روستایی.
۲. متناسب بودن برنامه‌ها و طرح‌های فرهنگی با ساختار

گروه از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر را تحرک اجتماعی می‌گویند. امروزه هم در سطح ساختار جامعه روستایی ما «کار و مشاغل مربوط به کشاورزی محدودند و در نظام سنتی کشاورزی امکان تحرک اجتماعی و ارضای نیازهای مختلف روستازادگان مقدور نیست. یک روستایی به‌غم وابستگی و علاقه‌مندی به محیط روستایی و خانواده‌اش، به دلیل نیاز به کار و شغل و نیاز به تحرک و انجام فعالیتی مفیدتر (به اعتبار شخصی) و اقتصادی‌تر از روستا دل بکند. روستاییانی که شاهد مهاجرت و یا تغییر شغل فرزندان خود هستند، برای آینده خودشان نگرانند و روزی را در نظر می‌آورند که امکان کار و فعالیت در روی زمین را از دست می‌دهند و فرزندان‌شان را از دست می‌دهند و فرزندان‌شان جای آنها را می‌گیرند. بنابراین ترس از آینده‌ای مبهم که متعاقب از کارافتادگی آنها پیش می‌آید به جستجوی تأمین می‌گردند.» (طالب و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۸)

مهندسی فرهنگی در اینجا از اهمیت بالایی برخوردار است؛ باید روستاییان را به سمت آن دسته از موارد تحرک اجتماعی سوق دهد که روستاییان بتوانند یک نیروی مؤثر برای آبادانی جامعه روستایی خود و یا فردی مؤثر برای ارتقاء سطح زندگی و کمال مطلوب خانواده و خویشاوند روستایی خود در روستا باشد.

تحرکات اجتماعی مردم وابسته به باور آنهاست، یکی از باورهای غلط در ایران نگاه منفی، عقب افتاده به روستاییان در مقابل شهری‌هاست. همین عامل منجر به مشکلات فراوانی در عدم خودباوری در بین مردم روستایی شده است؛ از طریق اجرای اصول مهندسی فرهنگی می‌توان برنامه‌هایی جهت حذف این دیدگاه و توسعه خودباوری بین روستاییان انجام داد.

حل مشکل ناشی از مهاجرت روستاییان به شهرها در حوزه ضرورت مهندسی فرهنگی در توسعه جامعه روستایی امری قابل برنامه‌ریزی و مورد اهتمام ویژه در دهه‌های اخیر است. مهاجرت‌های روستاییان به شهرها سبب می‌شود نوعی اختلاط فرهنگی به‌وجود آید؛ مناطقی از جمله حومه شهرها معمولاً پذیرای این افراد هستند، مهاجران اغلب در این گونه موارد به نوعی بیگانگی فرهنگی دچار می‌شوند، از طرفی این مناطق محل گسترش انواع پدیده‌های نامناسب اجتماعی است؛ در هر صورت پدیده مهاجرت امری واقعی است و نمی‌توان از آن فرار کرد.

- فرهنگی و اجتماعی جامعه روستایی .
۳. مطالعات عمیق بر روی طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی قبل از اجرای آنها در سطح روستا.
۴. شناسایی بخش‌هایی که نیازمند همکاری به صورت واقعی و عملی برای اجرای طرح‌ها در روستا می‌باشند.
۵. کنترل، نظارت و پژوهش قبل و بعد از اجرای برنامه‌های فرهنگی در راستای کاهش پیامدها و اثرات مخرب آنها.
۶. تربیت و آموزش نیروهای مجرب برای اجرا و هماهنگی لازم طرح‌های فرهنگی در سطح ساختار روستا؛ بهتر است این هماهنگی‌کننده از بین خود مردم روستا و یا با مشارکت آنان انتخاب شود.
۷. تقویت کارکرد آگاهی محوری و دانش‌افزایی طرح‌ها در روستا.
۸. تعیین بودجه‌های لازم برای اجرای طرح‌های فرهنگی و همچنین مشخص‌کننده سازمان‌های تأمین‌کننده این بودجه. برای مثال مشخص شود که مسجد مورد نظر در روستا قرار است به‌وسیله چه سازمانی تأمین اعتبار شود .
۹. زمان اجرای پروژه مشخص شود. به‌طور مثال ساخت‌های فیزیکی نباید به بارندگی برخورد کنند. هر چه زمان یک طرح طولانی‌تر شود، هزینه آن بیشتر می‌شود .
۱۰. آغاز عملیات اجرایی طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی در روستا مشخص گردد.
۱۱. بهتر است که پایان برنامه‌های فرهنگی همراه با یک جشن عمومی باشد، می‌توان از همه مردم در این زمینه کمک گرفت.
۱۲. ارزشیابی باید صورت گیرد. به عبارتی هر طرح فرهنگی را باید ارزشیابی کرد که آیا نتایج مثبتی که در انتظار داشته‌ایم به‌وقوع پیوسته است یا خیر؟ یا مردم استقبال می‌کنند یا خیر؟ این طرح‌ها می‌تواند یک برنامه‌ریزی کلان روستایی برای کل کشور باشد، یا می‌تواند یک برنامه‌ریزی کوچک برای یک روستا باشد. با توجه به این موارد باید نکاتی در ضرورت جایگاه مهندسی فرهنگی و نقش آن در توسعه پایدار جامعه روستایی بیان کنیم.
- باید طرح‌های فرهنگی پیشنهاد شده واقع‌گرا باشد و
- از آرمان‌گرایی در پروژه‌های فرهنگی روستایی - که منجر به سرخوردگی و ناامیدی مردم می‌شود، خودداری گردد.
- توصیه می‌شود که مبتنی بر مشارکت مردمی اجرای طرح‌های مهندسی فرهنگی صورت گیرد، این عامل سبب اثربخشی بیشتر برنامه‌های آن می‌شود.
- برنامه‌ریزی‌های فرهنگی باید چندبعدی و همه‌جانبه باشد. بنابراین هماهنگی و مشارکت بین دستگاه‌ها و سازمان‌های روستایی در این امر ضروری است.
- توجه به مسائل اقتصادی، اجتماعی، دینی، سیاسی و روانشناختی از مهمترین پارامترهای لحاظ شده در برنامه‌ریزی فرهنگی باید باشد، نباید فراموش کرد که ریشه بسیاری از معضلات فرهنگی در عدم توجه به این پارامترها در روستا به‌وجود می‌آید.
- مردم باید قبل از هر اقدامی در جهت برنامه‌ریزی فرهنگی کاملاً توجیه شده باشند. در غیر این صورت احتمال شکست آن طرح و عدم استقبال یا مشارکت در برنامه فرهنگی وجود دارد.
- در هر روستایی افرادی باعنوان رهبران معنوی وجود دارند؛ که نظرشان برای مردم حجت است. اگر می‌خواهیم طرح قابلیت اجرایی یابد، بهتر است از موافقت و نفوذ آنها در بین روستاییان بهره‌مند شویم.
- توسعه فرهنگی باید آثار پایدار داشته باشد، به این معنا که بعد از خاتمه طرح نباید تأثیرات آن متوقف شود و در واقع باید دوام داشته باشد، که شرط آن حمایت مردمی از برنامه فرهنگی است .
- با توجه به آنچه که بیان شد، نقش مهندسی فرهنگی در توسعه پایدار روستایی باید زمینه‌ساز ایجاد بسترهای مناسب برای بروز خلاقیت‌های اقتصادی، اجتماعی و... گردد. گسترش چارچوب‌های فکری، پژوهشی و عملی در این زمینه در روستاها نشان از پایداری توسعه روستایی را بیان می‌کند. تطبیق دادن اصول و برنامه‌ریزی‌های مناسب فرهنگی در روستا با چارچوب‌های دینی، سیاسی، اخلاقی، ارزشی، خانوادگی، اقتصادی نقش بسزایی در توسعه همه‌جانبه و پایدار روستایی

نتیجه‌گیری

و عدالت‌پروری و... در بین روستاییان منجر شود. بنابراین این اقدامات فرهنگی برای جهت دادن فرهنگ به‌منظور زمینه‌سازی برای ساختن جامعه روستایی امری مطلوب است. بسترسازی، تشویق و ترغیب روستاییان به مشارکت در طرح‌های بهسازی روستا، ایجاد مثبت‌نگری در بین نگرش و رفتار روستاییان می‌تواند از مهمترین کاربردهای اجرای اصول مهندسی فرهنگی در توسعه روستایی باشد. بنابراین مهندسی فرهنگی شکل‌دهنده توسعه فرهنگی در فرایند توسعه کشور است. گفته شد که مهندسی فرهنگی از طریق خلق یا تغییر یک فرهنگ جدید، ایجاد و تغییر سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و تغییرها باورها و اعتقادات مردم به فرایند توسعه کمک می‌کند. در روستاها نیز مهندسی فرهنگی به دلیل کمک در ایجاد یک نوآوری جدید و یا کمک به استفاده بهینه از نوآوری‌ها نقش دارد. در عین حال این پدیده می‌تواند در کاهش و حل مشکلات نابرابری‌ها و آثار منفی پیامدهای روستایی نقش ایفا کند. از طرفی باید اشاره کرد که در مهندسی فرهنگی مؤلفه‌های مشارکت، همه‌جانبه بودن پروژه و واقع‌گرا بودن از اهمیت بالایی برخوردار است و در فرایند طرح یک برنامه فرهنگی اهمیت هدف، زمان، هزینه و ارزشیابی را نباید فراموش کرد. با توجه به جایگاه ضرورت‌مند اصول و کارکردهای مهندسی فرهنگی می‌توان راهکارها و راهبردهایی را برای مدیریت و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار روستایی پیشنهاد کرد.

راهبرها و راهکارها

با توجه به ارتباط و ضرورت مهندسی فرهنگی در ساختار جامعه در دهه اخیر، اجرای پروسه توسعه پایدار روستاهای ما را منسجم‌تر و تسهیل‌تر می‌کند. در این بخش یکسری از راهبردها و راهکارها را بیان می‌کنیم.

۱. بسترسازی مناسب برای پرورش استعدادها، خلاقیت‌ها و نوآوری‌های پایدار در راستای توسعه روستایی.
۲. تدوین برنامه‌ریزی فرهنگی پایدار همه‌جانبه برای حفظ هویت فرهنگ بومی و محلی خانواده روستایی.
۳. ارائه آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم برای اشاعه و پذیرش طرح‌های فنی و سازمانی در سطح روستا، با تأکید بر

دارد. ایجاد بسترهای مناسب توسعه درون‌زا و برون‌زا روستایی می‌تواند به تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی روستا کمک بسیاری نماید. اجرای این برنامه‌های فرهنگی در راستای تقویت نظم اجتماعی و انسجام فرهنگی پایدار روستاییان همراه با آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی نقش پایداری در توانمندسازی مدیریت روستا و افزایش آگاهی محوری فرهنگی و اجتماعی روستاییان دارد. نقش مهندسی فرهنگی در روستا با هدف تقویت اطلاع‌رسانی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، رفع هرگونه آشفتگی و موانع توسعه روستایی بسیار اهمیت دارد. اجرای طرح‌های فرهنگی متناسب با توسعه روستایی می‌تواند جامعه روستایی را به سمت استقلال، خوداتکایی، توانمندسازی، (بومی - منطقه‌ای - ملی) و اجرای بهسازی فرهنگی روستاها سوق دهد. تحکیم و استمرار اصول مهندسی فرهنگی در روستاها منجر به گسترش تعامل اجتماعی روستاییان با یکدیگر، بسط کنش‌ها و رفتارهای فرهنگی متقابل گروه‌های اجتماعی روستا با سازمان‌های دولتی و غیردولتی خواهد شد. توجه به شاخص‌های کیفی و کمی توسعه در اجرای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی روستا باید مورد اهتمام ویژه قرار گیرد، همچنین باید رشد خدمات فناوری فرهنگی و اطلاعاتی را در روستا به صورت مستمر و پایدار توسعه داد. ایجاد بسترسازی مناسب برای ورود رسانه‌های جمعی و مطبوعات در بین روستاییان می‌تواند یکی از مهمترین برنامه‌ریزی‌های فرهنگی توسعه روستایی باشد. ارتقاء خدمات رفاه اجتماعی روستاییان، افزایش دانش تخصصی گروه‌های اجتماعی روستا، می‌تواند در پیوند توسعه روستایی و مهندسی فرهنگی مورد ضرورت قرار گیرد. اجرای طرح‌های فرهنگی در روستا با تأکید بر حذف نگرش‌ها و رفتارهای غلط و منفی، در کنار جلوگیری از رشد بی‌رویه مصرف‌گرایی، مهاجرت شدید به شهرها، اصلاح تعامل با شهر، حذف رفتارهای افراطی فردگرایی، و... باید مورد توجه قرار گیرد. برنامه‌های فرهنگی در روستا باید در راستای مشارکت روستاییان در کار، تولید، خلاقیت، نوآوری، تقویت روحیه جمعی و اهتمام به ارزش‌های جمعی خاتمه یابد و منجر به ارتقاء مسئولیت‌پذیری، ترغیب به تعهدات اجتماعی و فرهنگی بین روستاییان شود. اقدامات فرهنگی در روستا باید به ارتقاء اعتماد اجتماعی، خوداتکایی، تشریک مساعی،

- حفظ پایدار توسعه روستایی.
۴. طراحی برنامه‌های فرهنگی برای بازتولید مفاهیم اساسی فرهنگ روستایی (ارزش کار، تولید، آداب و رسوم فرهنگی، سنت‌های مثبت و...).
۵. ارائه برنامه‌های فرهنگی برای پاسداشت و بازتولید فرهنگی هویت ملی و انقلابی در روستا.
۶. تدوین الگوهای اشاعه فرهنگی برای حفظ آموخته‌های بومی - محلی در سطح روستا.
۷. طراحی برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی از طریق رسانه‌های جمعی در جهت فرهنگ پایدار روستایی.
۸. آگاهی‌بخشی در مورد تغییر عقاید و رفتارهای مصرف‌زدگی و تقلیدگونه به سمت خلاقیت و پرورش استعدادها در ساختار جامعه روستایی.
۹. اجرای الگوهای تربیت فرهنگی در بین روستاییان در راستای نهادینه کردن سبک زندگی واقعی روستا متناسب با فرایند جهانی شدن.
۱۰. ایجاد بسترسازی مناسب برای بهره‌مندی روستاییان از نشریات، مطبوعات و مجلات منطقه‌ای و ملی.
۱۱. تشویق و ترغیب ساختار جوان جامعه روستایی به افزایش آگاهی محوری، دانش مدیریتی متناسب با ساختار جامعه روستایی.
۱۲. اتخاذ تمهیدات پایدار و همه‌جانبه برای مشارکت روستاییان در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی روستا.
۱۳. تدوین سیاست‌گذاری فرهنگی و معقوله برای رشد و آگاهی سواد رسانه‌ای در روستا.
۱۴. ارائه پیام‌های تبلیغاتی، فرهنگی در روستا برای پیشبرد طرح‌های توسعه پایدار.
۱۵. اتخاذ راهکارهای مشوقانه جهت انسجام، وحدت‌بخشی، تشریک مساعی و تقویت روحیه جمعی در فعالیت‌های روستایی.
۱۶. تقویت و ترغیب فرهنگی برای افزایش اعتماد جامعه روستایی به نتیجه‌بخش بودن و اثرگذاری طرح‌های توسعه‌مند روستایی از طرف سازمان‌ها.
۱۷. سیاست‌گذاری پایدار و همه‌جانبه برای جلوگیری از بحران‌های فرهنگی، آسیب‌های اجتماعی در ساختار جامعه روستایی.
۱۸. نهادینه‌سازی رفتارها و نگرش‌های جامعه روستایی در دستیابی به آخرین تحولات علمی، عملی و تعامل فرهنگی با سایر ملل.
۱۹. باز اجتماعی نمودن جامعه روستایی برای مقاومت و مبارزه فرهنگی با سبک زندگی غربی و مهاجرت بی‌رویه به شهرها.
۲۰. تقویت و بسط شبکه‌های اجتماع محوری و سازمان‌های مردم‌نهاد (تعهد مدنی) در راستای توسعه پایدار روستا.
۲۱. ایجاد تدابیر پایدار و نهادینه‌سازی برای تشویق و ترغیب جوانان در اداره امور اجرایی روستاها.
۲۲. تدوین راهکارهای فرهنگی و اجتماعی برای پیشگیری از مهاجرت بی‌رویه و حاشیه‌نشینی به سوی کلانشهرها و شهرهای بزرگ.
۲۳. ترغیب و تشویق به سرمایه‌گذاری پایدار و مستمر افراد بومی - محلی برای توسعه پایدار روستا به جای سرمایه‌گذاری در سایر نقاط.
۲۴. ارائه تمهیدات فرهنگی و اجتماعی برای نظارت و کنترل اجتماعی، پیشگیری از انحرافات همه‌جانبه توسعه پایدار روستا و جلوگیری از رشد بی‌رویه شهرزدگی جامعه روستایی.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی، جامعه‌شناسی توسعه (اصول و نظریه‌ها)، تهران: نشر علم، ۱۳۸۶.
- ازکیا، مصطفی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۴.
- ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۴.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۴.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
- افروغ، عماد، خرده‌فرهنگ‌ها، مشارکت و وفاق اجتماعی، ارائه شده در مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، ص ۱۴۰، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
- بنیانیان، حسن، مهندسی فرهنگی از نظر تا عمل در جامعه ایران، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ارائه شده در خلاصه مقالات نخستین همایش ملی

- مهندسی فرهنگی، ۲۱-۲۰ دی ماه (۱۳۸۵)، صص ۱۷-۱۲.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدمیر، نظریه‌های توسعه روستایی، تهران: نشر سمت، ۱۳۸۱.
- روشه، گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- زتومکا، پیتر، اعتماد یک تئوری جامعه‌شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۷.
- شمسی‌نی غیاثوند، حسن، مهندسی فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ارائه شده در خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ۲۱-۲۰ دی ماه (۱۳۸۵)، صص ۴۳-۴۱.
- طالب، مهدی و عنبری، موسی، جامعه‌شناسی روستایی، ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- طوسی، محمدعلی، مشارکت در مالکیت و مدیریت، تهران: انتشارات مرکز آموزش، ۱۳۷۰.
- عظیمی، ضرورت مهندسی فرهنگی در فرایند توسعه روستایی ۱۳۸۸، قابل دسترس در <http://aeizhazmi.persianblog.ir>
- غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل، جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، تهران: انتشارات آگرا- لویه، ۱۳۸۴.
- فوزی، یحیی و بصیرنیا، غلامرضا، مبانی نظری دو رویکرد سلبی و ایجابی به مهندسی فرهنگی در ایران پس از انقلاب، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، دوره زمستان، سال چهارم، شماره ۱۵ صفحات ۲۳۴-۲۱۳، تهران: پژوهشکده مطالعات انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۸ قابل دسترس در www.sid.ir.
- گیدنز، آنتونی، راه سوم بازسازی سوسیال-دموکراسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: انتشارات تیرازه، ۱۳۷۸.
- مور، ویلبرت ای، تغییر اجتماعی، ترجمه پرویز صالحی، تهران: نشر سمت، ۱۳۸۱.

